

بررسی و مقایسه

تاریخ فخری

تألیف محمد بن علی بن طباطبا

و

تجارب السلف

نوشته هندوشاه صاحبی نخبوانی

○ فاطمه فریدی مجید

۷۰۹ هـ. ق درگذشت.^۱ این کتاب تا مدت‌ها به دلیل وجود کتاب‌هایی چون احکام السلطانیه ماوردی و سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و کتاب‌های تاریخی چون طبری، الکامل مهجور مانده بود.^۲ تا اینکه در ۱۸۰۶ م. قسمت خلافت هارون و خلافت مستعصم و فنون پادشاهی آن به همت سیلوستر دوساسی در پاریس منتشر شد. از آن زمان به بعد قسمت‌های مختلف آن در غرب و کشورهای اسلامی برگزیده و چاپ می‌شد، تا اینکه برای اولین بار در سال ۱۸۶۰ م. به طور کامل توسط هاروارد در گونه به آلمانی چاپ شد. در ۱۸۹۵ م. نیز توسط دنبورگ به فرانسوی چاپ و از این پس به طور مرتب به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی چاپ شد. در ایران برای نخستین بار توسط محمد وحید گلپایگانی ترجمه و به زیور چاپ آراسته شد.^۳

تجارب السلف در تاریخ خلفا و وزرا نوشته هندوشاه سنجر بن عبدالله صاحبی نخبوانی، ترجمه آزادی از کتاب ابن طباطبا است. هندوشاه این کتاب را به نام اتابک نصره‌الدین احمد بن یوسف (۷۳۰ - ۶۹۵ ق.) از اتابکان لر بزرگ نگاشت.

هندوشاه بن سنجر بن عبدالله الصاحبی الکیرانی در کیران آذربایجان از توابع نخبوان متولد گردید. در مستنصریه بغداد درس نحو و طب خواند و در بارگاه عظاملک جوینی و خواجه شرف‌الدین هارون بار یافت. مدتی به نیابت از برادر سیف‌الدوله امیر محمود (۶۷۴ ق.)، حکمران کاشان شد. از دیگر آثار (منسوب به) او «صحاح الفرس» است که بعد از لغت الفرس نوشته اسدی توسی قدیمترین یا مهم‌ترین لغت‌نامه پارسی است.^۴

تاریخ‌نگاری هر دوره‌ای بیانگر تفکر غالب و حاکم بر چگونگی نگرش به وقایع تاریخی در آن دوره است. تحت این مقوله تاریخ اسلام به لحاظ برخورداری از تنوع آراء و عقاید و تأثیر این افکار بر آثار به جا مانده، اهمیت بسزایی می‌یابد. از جمله کتب ارزشمند تاریخ اسلام که در اواخر قرن ۷ و اوایل قرن ۸ هجری قمری، و در واقع پس از فروپاشی خلافت عباسی به رشته تحریر درآمده. دو کتاب تاریخ فخری تألیف ابن طباطبا و ترجمه ماندی از آن به نام تجارب السلف تألیف هندوشاه نخبوانی است. از آنجایی که این دو کتاب از منابع مهم تاریخ اسلام در زمینه تاریخ خلفا و وزرا محسوب می‌شوند، مقاله حاضر در صدد است آنها را از نظر محتوا، اسلوب نگارش و نگرش مورد ارزیابی قرار دهد تا با درک اهمیت هر یک، از تأثیر و تأثر آنها آگاهی حاصل شده، مقایسه‌ای بین آنها به عمل آید.

تاریخ فخری (در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی) تألیف محمد بن علی بن طباطبا کتابی در آثار و اخبار خلفای اسلامی از خلفای راشدین تا مستعصم عباسی و سقوط بغداد است که با بخشی درباره آداب ملکداری آغاز می‌شود. نویسنده کتاب، صفی‌الدین محمد بن علی، از خاندان حسن بن علی در ۶۶۰ هـ. ق. متولد شد. پدرش علی معروف به «تاج‌الدین» در کوفه و بغداد نقیب علویان بود و گویا توسط عظاملک جوینی در ۶۸۰ هـ. ق. به قتل رسید.^۱ پس از پدر، محمد بن علی نقابت علویان را بر عهده گرفت و به سفر به نقاط مختلف پرداخت. او از شهرهای عراق و ایران دیدن کرد و در ۷۰۱ هـ. ق. در موصل اقامت گزیده و به خدمت فخرالدین عیسی بن ابراهیم حاکم موصل درآمد و کتاب خود را به نام وی نوشت. ابن طباطبا (ابن طقطقی) مورخ شیعه مذهب در

این کتاب شامل دوره تاریخی از زندگانی پیامبر(ص) تا آخرین خلیفه عباسی است. اشارات هندوشاه در قسمت‌های مختلف کتاب خود به کتبی چون تاریخ طبری، کامل ابن اثیر، کامل میرد، نفته‌المصوره، جوامع الحکایات^۷ و نشان‌دهنده توجه مؤلف به کتبی غیر از کتاب ابن طباطبایا است. هندوشاه در کتاب خود از تاریخ فخری با نام «منیة‌الفضلا فی التواریخ الخلفا

ذکر نموده است. آنگاه به احوالات عیسی بن ابراهیم حاکم موصل و برشمردن صفات حسنه او پرداخته که گویا از ابن طقطقی حمایت نموده است. وی کتاب را چنین معرفی می‌کند: «از احوال دولت‌ها و امور سلطنت و فرمانروایی سخن راندم و هر چه از احوال پادشاهان فاضل پسندم آمد، و از سیره خلفا و وزرا که به دستم افتاد در آن گرد آوردم و اساسش را بر دو فصل نهادم: (۱) در امور سلطان و

و وزرا» یاد کرده است: «این کتاب که موسوم است به تجارب السلف در علم تواریخ جمع کرده آمد و اکثر آن را از کتاب منیة‌الفضلا فی التواریخ الخلفا و الوزرا از مصنفات مرتضی سعید ملک المحققین صفی‌الحق و الملة والذین محمدبن علی الطقطقی رحمه‌الله تعالی که جهت دارالکتب مخدوم و مربی این ضعیف اعظم... زنگی شاه بن صاحب السعید حسن بن احمد الدامغانی... ساخته است و آن را به فصیح‌تر عبارتی پرداخته نقل کرده شد به شرط آنکه هر چه در آن کتاب موجود است در این نسخه هم موجود باشد...»^۸

از آنجایی که ابن طباطبایا کتاب خود را «فخری» می‌خواند، این سؤال مطرح است که علت این تفاوت چیست و کدام عنوان نام واقعی کتاب است. حال آنکه در صحبت هیچ‌یک نمی‌توان تردید کرد. در این زمینه مرحوم عباس اقبال بر این باور است که ابن طباطبایا از این کتاب نسخه دیگری نیز نوشته که اولی را به فخرالدین عیسی تقدیم و از مزایای آن بهره‌مند شده و دومی را به نام منیة‌الفضلا به کتابخانه جلال‌الدین زنگی شاه بدرالدین حسن بن احمد تقدیم نموده است و هندوشاه نسخه دوم را دیده و منبع خود قرار داده است.^۹

کتاب تجارب السلف برای اولین بار توسط محقق برجسته علامه عباس اقبال در سال ۱۳۱۳ ق. چاپ شد. و از آن پس توسط ایشان و دیگر ناشران به طور مکرر چاپ شده است.

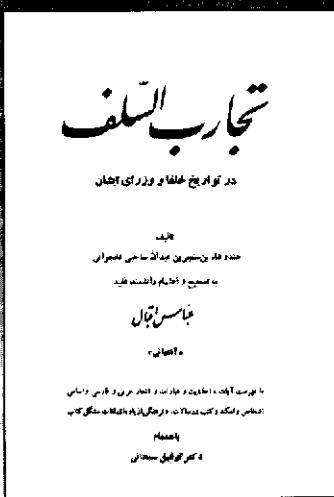
تاریخ فخری:

همانگونه که گفته شد تاریخ فخری از دو بخش مجزا تشکیل شده است:

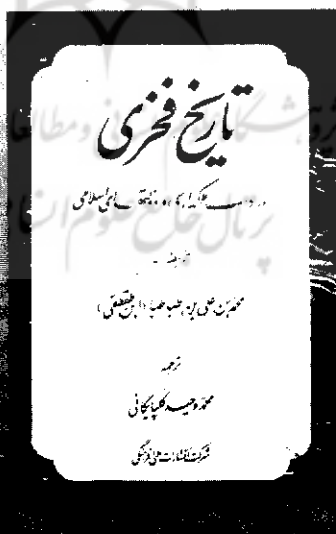
- ۱- در آداب ملکداری
- ۲- در اخبار خلفای اسلامی از خلفای راشدین تا مستعصم عباسی به همراه ذکر احوال وزرا و دولت‌های محلی که در این دوره به ظهور رسیده‌اند.

بخش اول کتاب که در واقع مهم‌ترین قسمت کتاب محسوب می‌شود، درباره سیره و روش ملکداری و اصولی است که یک سلطان باید به آن واقف باشد. در مقدمه نویسنده به گونه‌ای علمی به مباحثی چون فواید تاریخ و در واقع فلسفه تاریخ از نوع خاص آن و در شرایط مکانی و زمانی خاص، می‌پردازد.

ابن طباطبایا پس از نعت خدا و رسول(ص) و معرفی خود، در مورد فضیلت کتاب و دانش و فایده آن برای سلاطین، امثال و حکم و روایات جالب و زیبایی



بخش اول کتاب «تاریخ فخری» که در واقع مهم‌ترین قسمت کتاب محسوب می‌شود، درباره سیر و روش ملکداری و اصولی است که یک سلطان باید به آن واقف باشد



سیاست‌های ملکی و حقوقی رعیت و سلطان و آنچه لازم است در او باشد یا نباید نباشد... سخن گفتم و آن را با آیات قرآن و احادیث نبوی و حکایات ظریف و اشعار دل‌پسند زینت داده‌ام، (فصل ۲) درباره یکایک دولت‌های مشهور که فرمانشان عام و نیکی‌هایشان تام و تمام سخن راندم.»

وی در آغاز کتاب خود را ملزم به رعایت دو اصل صداقت و ساده‌گویی می‌کند «زیرا بسیار دیده شده است که عشق به اظهار فصاحت و بلاغت گریبان مصنفین کتب را گرفته است و اغراض و معانی ایشان درهم پیچیده و مشکل شده، در نتیجه سود مصنفات آنها اندک و ناچیز گشته است.»

از نظر ابن طباطبایا کتاب او فراتر از حماسه بوده و از این نظر برای اهل خرد مفید است، زیرا هم خواننده را به قواعد سیاست و وسایل ریاست راهنمایی می‌کند و هم او را به تفکر وادار می‌دارد. او کتاب خود را در زمینه حکم و مواظب پرفایده، با نهج‌البلاغه و تاریخ یمینی عتبی مقایسه می‌کند و دست آخر به دو فایده کتاب که همانا مقبول بودن در درگاه عیسی بن ابراهیم و استفاده او از این کتاب است اشاره می‌کند.

بخش اول کتاب که ابن طباطبایا آن را مهم‌ترین بخش و علت تألیف کتاب می‌داند زیرا این کتاب اساساً برای بحث درباره اصل ملک و حقیقت آن و قسمت شدنش به ریاست‌های دینی و دنیوی و... نهاده نشده است، بلکه موضوع آن همانا بحث پیرامون آداب و سیاست‌های است که در حوادث و وقایعی که پیش می‌آید سودمند می‌افتد.»

نویسنده در این قسمت از اسباب عقلی و علمی که برای سلطان و تدبیر کشور لازم است سخن می‌گوید و از تفاوت پیشرفت علوم نزد دولت‌ها، که هر یک به مقوله‌ای از علم پرداخته‌اند (ایرانیان به آداب و حکم، و صایا، تاریخ و هندسه، مسلمانان به علم زبان، لغت،

شعر و تاریخ و مغولان به سیاق و حساب و پزشکی) صحبت کرده است: همچنین میزان اطاعت هر یک از لشکریان و رعایا را نسبت به پادشاه می‌سنجد و می‌گوید: «هیچ دولتی مانند دولت نیرومند مغول مورد اطاعت لشکریان و رعایا نبوده است.»

در واقع در این قسمت او تمامی آنچه را که لازمه پادشاهی می‌دانسته و نیز آنچه را که شایسته مقام پادشاه نمی‌دانسته است را یک به یک عنوان نموده و در هر مبحثی با ذکر حکایات و روایات مناسب و شیرین سخن آرای می‌نماید.

یکی از ویژگی‌های این طباطبای رعایت اصل بی‌طرفی حتی هنگام آوردن مثال‌ها است. به عنوان نمونه او از ذکر اقدامات نیک رهبران خوارج نیز ابایی ندارد. (عبدالله بن وهب راسبی و تأمل او در نظر و رأی دیگران).^{۳۳} داشتن روحیه انتقادی در ذکر وقایع از دیگر ویژگی‌های این طباطبای است. در جایی پس از آنکه از دلدادگی عضدالدوله دیلمی به کنیزکی و اختلال در امور به خاطر این امر، سخن می‌گوید از شیوه عضدالدوله برای خلاصی از این مشکل و پرتاب کنیزک به دجله انتقاد کرده، می‌گوید: «علی‌رغم نظر مردم من این کار او را دلیل بر ضعف نفس او می‌دانم نه قوت نفس او...»^{۳۴}

بخش دوم کتاب با عنوان سخن درباره دولت‌های اسلامی، از ذکر تاریخ خلفای راشدین شروع شده و با شرح حوادث هر کدام ادامه می‌یابد. سپس به دولت اموی از معاویه تا پایان کار مروان بن محمد و قیام ابومسلم اشاره کرده و در این بین از قیام‌هایی که بر ضد بنی‌امیه و نیز فتوحات آن دوره یاد می‌کند. سرانجام در قسمت پایانی این فصل، به ذکر خلفای عباسی و وزرای هر یک می‌پردازد. این طباطبای در این قسمت به شورش‌ها و قیام‌هایی که در نقاط مختلف قلمرو عباسیان مانند ایران رخ داده و نیز تأسیس دولت‌هایی چون فاطمیان اشاره کرده است. همچنین اشاره‌ای مختصر به دولت آل بویه در عهد خلافت قاهر و نیز دولت سلجوقیان در روزگار قائم نموده و کتاب را با حوادث دوره مستعصم خاتمه داده است.

پرداختن به روایات و اشعار در هر دو بخش به‌خصوص بخش اول کتاب قابل توجه می‌باشد.^{۳۵}

نویسنده در نگارش کتاب به زبان عربی، از اشعار و لغات پارسی هم بهره برده است. به طور مثال دوبیتی در شرح احوال سید نصیرالدین ناصری بن مهدی علوی به پارسی ذکر کرده است.

همچنین به گفته مهدوی دامغانی این طباطبای از کلماتی پارسی چون درگاه به جای درگاه و تخت به جای مسند قدرت و... استفاده کرده است.^{۳۶}

به گفته مترجم کتاب، محمد وحید گلپایگانی، نثر کتاب شیوا و دارای سبکی جالب است که در بخش دوم ساده‌تر و سهل‌تر شده است.^{۳۷}

عدم روح تعصب و ویژگی مهم کتاب تاریخ فخری است. این طباطبای همان‌گونه که به خلافت علی(ع) می‌پردازد به خلافت عمر و ابوبکر نیز توجه دارد و هر جا که لازم است از سجایای هر یک و کارهایی که کرده‌اند، نمونه‌هایی برمی‌شمارد.

در مواردی نویسنده بیش از اینکه به خلفا بپردازد به ذکر وزرا و اقدامات آنها اهتمام داشته که این امر از ویژگی‌های کتاب محسوب می‌شود. زیرا به گرداندگان اصلی دولت‌ها یعنی وزرا، توجه نموده است.

تجارب السلف:

هندشاه کتاب را با معرفی خود و تقدیم کتاب به جلال‌الدین زنگی شاه

بدرالدین حسن بن احمد، آغاز می‌کند. او کتاب خود را مشتمل بر علم تاریخ و احوال امم سالف می‌داند که دارای پنج فایده است:

- ۱- موجب زیادت عقل می‌گردد.
- ۲- کتب تواریخ منجر به سرگرمی می‌شوند و نفس را متفرجی تره و منتزهی بدیخ می‌یاشد.
- ۳- سختی‌ها در نظر کوچک می‌شوند.
- ۴- امیدواری در مقابل شدائد افزون می‌گردد.
- ۵- تواریخ در حقیقت اسمارند (مشتمل بر خوشی و تفرج‌اند) و خستگی را بدر می‌کنند.^{۳۸}

نویسنده پس از ذکر منبع خود یعنی کتاب ابن طباطبای به نام «منیة الفضلا فی التواریخ الخلفا و الوزراء» کتاب را با ذکر احوال پیامبر و غزوات، شماره زنان و اسامی پیامبر اسلام(ص) آغاز کرده، به شرح احوال خلفا می‌پردازد. و در همان ابتدای کار به تفکیک دوره‌های مختلف خلفا شامل خلفای خمس، خلفای اموی و خلفای عباسی پرداخته است. همچنین درباره سه دولت علویان مصر، بویهیان و سلجوقیان توضیحات مفیدی ارائه نموده است.

کتاب تجارب السلف مملو از اشعار، احادیث و روایاتی است که کتاب را مزین نموده است. کتاب در عین حال شامل اشعار عربی است که گاهی ترجمه آنها نیز ذکر شده است.

در این کتاب هم از سوی نویسنده اصل بی‌طرفی و عدم تعصب همانند کتاب فخری رعایت شده و در هر زمینه از جمله شهادت امامان شیعه، اقوال و روایات موجود از شیعه و سنی را بیان نموده است.

اسلوب نگارش و کلام محکم هندشاه در عین سادگی، یکی از نمونه‌های عالی نثر فارسی در سده ۸ هـ. است.

مقایسه دو کتاب از لحاظ محتوا و صورت:

همان‌طور که گفته شد، کتاب تجارب السلف ترجمه صرف از تاریخ فخری نمی‌باشد. بلکه در حین ترجمه، بسیاری مطالب به آن افزوده شده و پاره‌ای مطالب هم نسبت به کتاب مرجع به اختصار ذکر شده است. بنابراین به ذکر تفاوت‌های این دو کتاب پرداخته می‌شود:

یکی از مهم‌ترین و شاید بزرگترین تفاوت‌های این دو کتاب، فقدان بخش اول کتاب تاریخ فخری یعنی «در آداب ملکداری»، در ابتدای کتاب تجارب السلف است. به جای این فصل مفصل، در تجارب السلف تنها چند صفحه در مقدمه کتاب و بیان هدف آن آمده است.

در اینکه چرا این فصل از کتاب فخری در تجارب السلف دیده نمی‌شود، دلیل قطعی نمی‌توان بیان کرد، اما اگر فرض قریب به یقین عباس اقبال را مبنی بر دو یا چند نسخه بودن کتاب ابن طقطقی قبول کنیم، می‌توانیم این مسئله را نیز منظور داریم که شاید این فصل در ابتدای کتاب تقدیمی به کتابخانه

نویسنده تاریخ فخری

در بیان روی کارآمدن

عباسیان،

آنها را دولتی

پر خدعه خوانده و

اشعاری در ذم آنها

از شاعران مختلف می‌آورد.

اما در عین حال اضافه می‌کند

که دولت بنی عباس

دولتی بود که محاسن زیاد

و مکارم بی شمار داشت.

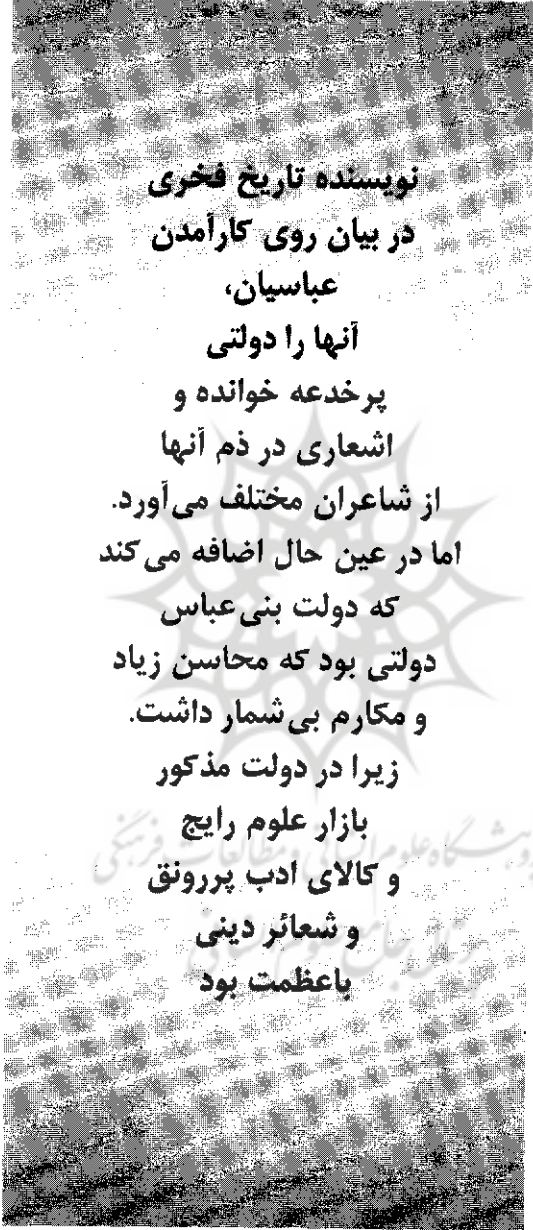
زیرا در دولت مذکور

بازار علوم رایج

و کالای ادب پررونق

و شعائر دینی

باعظمت بود



جلال‌الدین زنگی توسط ابن طباطبایا حذف شده، چرا که کتابی که برای کتابخانه نوشته و فرستاده می‌شد، بیشتر به منظور حفظ تواریخ تهیه می‌گردید و نه آموزش سیاست ملکنرداری به حاکمی. بنابراین به احتمال قوی هندوشاه این بخش را رویت نکرده است.

تجارب السلف در آغاز محدوده کار خود را مشخص کرده، چگونگی آغاز و انجام دوره‌های مورد بحث را به اختصار بیان می‌کند. (از ۱۱ هـ. تا ۶۵۶ هـ. ق.) کتاب فخری با خلفای راشدین آغاز می‌شود، در حالی که تجارب السلف مطالب خود را با سیره پیامبر (ص) شروع می‌کند. این مسئله که آیا قسمت سیره نبوی در نسخه در دسترس هندوشاه وجود داشته یا نه، محرز نیست. (البته با توجه به موضوع کتاب - خلفا و وزرا - لزومی هم بر وجود آن نیست). دکتر مهدوی دامغانی در این زمینه چنین می‌گوید: آقا بزرگ تهرانی در کتابش - الذریعه - نسخه‌هایی از (فخری) را یادآوری می‌کند که با نسخه حاضر متفاوت است و بخشی از سیره رسول تا زندگی حضرت زهرا (س) را نیز دارد.^{۳۱}

طبق این گفته، محتمل است که سیره نبوی در ابتدای نسخه مورد استفاده هندوشاه موجود بوده است. پس از آن فخری از خلفای چهارگانه سخن می‌راند در حالی که هندوشاه از خلفای خمه و خلافت امام حسن (ع) نام می‌برد.^{۳۲}

در بیان حوادث خلفای راشدین پس از شرح حکومت‌ها، تاریخ فخری قسمت جداگانه‌ای را به چگونگی وفات خلفای چهارگانه اختصاص داده است.^{۳۳} در حالی که تجارب السلف فاقد این بخش است.

در شرح خلافت اموی هر دو کتاب به جز پاره‌ای اختلافات رویه واحدی را دنبال می‌کنند، به طور مثال در شرح خلافت معاویه، فخری قسمتی را به دیوان برید و دیوان خاتم، معنای آنها و لزوم تأسیس آن توسط معاویه اختصاص داده است.^{۳۴}

در مقام مقایسه گاهی در تجارب السلف اشعار و روایات فخری عیناً تکرار شده و گاهی مواردی اضافه یا کم شده است و همانگونه که گفته شد اشعاری عربی به آنها اضافه شده است.^{۳۵}

در پایان ذکر دوران بنی‌امیه، تجارب السلف این فصل را به مروان بن محمد بن مروان پایان می‌دهد، در حالی که

فخری به وقایع ابومسلم و خروج او، واقعه زاب و کشته شدن مروان و وقایع کلی دوره عباسی تحت عنوان مقدمه ورود به بحث پرداخته و از آن پس به شرح آغاز دولت عباسی همت می‌گمارد.^{۳۶}

نویسنده تاریخ فخری در بیان روی کارآمدن عباسیان، آنها را دولتی حیل‌گر و پر خدعه خوانده و اشعاری در ذم آنها از شاعران مختلف می‌آورد. اما در عین حال اضافه می‌کند که دولت بنی‌عباس دولتی بود که محاسن زیاد و مکارم بی‌شمار داشت. زیرا در دولت مذکور بازار علوم رایج، کالای ادب پر رونق و شعائر دینی با عظمت بود.^{۳۷}

هر دو کتاب به صورت یکسانی به ذکر خلفا و وزرای آنها می‌پردازند، اما در بعضی موارد اختلافاتی با هم دارند (مثلاً) در مورد وزارت بریدی، ابن طباطبایا وزارت او را دوبار در زمان متقی بالله می‌آورد.^{۳۸} حال آنکه هندوشاه وزارت او را یکبار در زمان راضی بالله و یکبار در زمان متقی بالله می‌داند.^{۳۹}

یکی از قسمت‌های مهم مورد اختلاف تاریخ فخری و تجارب السلف دوران خلافت و وزارت زمان قاهر، مطیع، طابع، قادر تا قائم بالله می‌باشد.

در این دوره ابن طباطبایا اشاره کوتاهی به خلافت از مطیع تا قائم می‌کند که شاید بیش از چند خط در مورد هر یک نباشد و هیچ اشاره‌ای به وزرا آنها نمی‌کند.

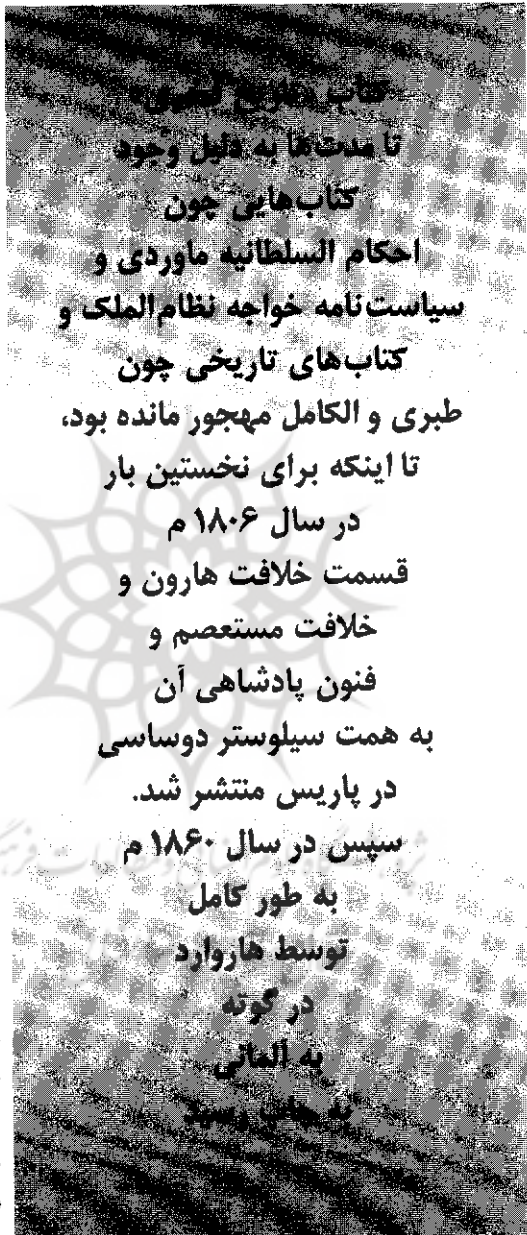
او از آل بویه تنها به صورت مختصر و در زمان خلافت قاهر یاد می‌کند و از آن پس، از دوره‌های مستکفی و طابع تنها نامی می‌برد.^{۴۰} در حالی که سیاق کار تجارب السلف متفاوت است. او پس از اشاره به خلافت و برکناری طابع می‌گوید: «چون خلافت را در این ایام رونقی نبود، وزارت را بی‌رونق به طریق اولی باشد زیرا که کار در دست آل بویه بود.»^{۴۱}

هندوشاه صفحات زیادی را به آل بویه و وزرای آنها اختصاص می‌دهد. او از ابوسعید اسرائیل بن موسی نصرانی و ابوالفتح بن العمید به طور مشروح یاد کرده و قسمتی را نیز به وزرای چون ابوالفتح علی بن ابی‌الفضل، و ابومحمد مهلبی، ابوالفرج محمد بن عباس فسانجس و ابن بقیه و... اختصاص داده و در پایان اسامی تعدادی از وزرای آل بویه مانند ابوالصالح و چند تن از وزرای متأخر بویهی را ذکر کرده است.^{۴۲}

در ادامه هر دو کتاب ضمن اشاره خلافت قادر، خلافت قائم بامرالله می‌پردازند. از اینجا به بعد نیز روش هر دو کتاب عوض می‌شود. فخری پس از ذکر قائم بامرالله به شرح کوتاهی از دولت سلجوقی از آغاز تا انجام آن بسنده کرده و به وزرای قائم بامرالله می‌پردازد. او از دو تن از وزرای خلیفه یعنی فخرالدوله ابونصر محمد بن ابن جهبیر و رئیس الروسا علی بن حسین یاد می‌کند و ضمن آن به فتنه بساسیری اشاره مختصری می‌نماید.^{۴۳} حال آنکه این قسمت از کتاب تجارب السلف از مهم‌ترین بخش‌های کتاب است. زیرا هندوشاه ابتدا به شرح مبسوطی از فتنه بساسیری و التجای خلیفه قائم به سلطان طغرل سلجوقی و غلبه او بر بغداد تا وفات قائم در ۴۶۰ هـ. ق. پرداخته است. به وزارت رئیس الروساء ابن جهبیر نیز اشاره شده

است. آنگاه هندوشاه به دولت سلاجقه و آغاز کار آنها و وزرای سلاجقه از قبیل ابوالفتح رازی می‌پردازد. به ویژه در مورد دو تن از وزرای نامدار سلجوقی یعنی عمیدالملک کندری و خواجه نظام‌الملک توسی مطالبی مفید آورده و با تحسین از آنها یاد می‌کند. از تاج‌الملک و سایر وزرای سلجوقی نیز نام می‌برد.^{۴۴}

هر دو کتاب با خلافت مستعصم بالله که ابن طباطبایا از او به عنوان آخرین خلیفه عباسی و هندوشاه به عنوان «مستعصم الشهدی آخر الخلفاء» یاد می‌کند، پایان می‌پذیرند. در اینجا ابن طباطبایا به شرح کامل تری پرداخته، مستعصم را مورد انتقاد قرار داده و از چگونگی مقابله با مغول مطالبی را عنوان کرده است.^{۴۵} در بیان



خلافت مستظهر بالله، ابن طقطقی مختصری از اخبار اسماعیلیان ایران را می‌آورد، در حالی که تجارب السلف اخبار و روایات بیشتری در این باره ذکر می‌کند.

همچنین در مورد خلافت راشد، مقتفی و ناصر بالله و وزرای آنها تجارب السلف نسبت به تاریخ فخری اطلاعات بیشتری ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه از لشکرکشی محمدشاه سلجوقی به بغداد و جنگ خلیفه و مردم با سلطان مطالبی ذکر نموده^{۳۳} که در تاریخ فخری دیده نمی‌شود.

بررسی نقاط ضعف و قوت دو کتاب:

در زمینه اسلوب نگارش و ترتیب ذکر وقایع، تجارب السلف تقریباً نظم واحدی را دنبال می‌کند. این کتاب ابتدا از خلفا، کنیه و نام آنها (گاهی نام پدر و مادر) شروع می‌کند و به ذکر تاریخ هر یک اهمیت می‌دهد. در حالی که تاریخ فخری در عین داشتن این روش در بعضی موارد، اسلوب خاصی را پیروی نمی‌کند بلکه گاهی آغاز کلام او با سال، گاهی با نام و گاهی با ذکر حادثه‌ای تاریخی است.

از نگاه دیگر از آنجایی که مؤلف تاریخ فخری خود بسیاری از صاحب منصبان و دست‌اندرکاران دوره آخرین خلیفه عباسی (مستعصم بالله) را درک کرده و از روایات مستقیم آنها نقل قول می‌کند، درجای خود بر اهمیت تاریخ فخری می‌افزاید. در این مورد کتاب هندوشاه جز مواردی که مثلاً مستصربه را دیده و در آن درس خوانده و درباره آن اشعاری گفته، حسن مزبور را ندارد. از جمله نقاط قوت تجارب السلف، حفظ امانتداری و پابندی و رعایت اصل ذکر منابع است. او با صداقت تمام، بیشتر مطالب کتاب خود را برگرفته از کتاب «منیة الفضلا» می‌داند.

نکته بعدی و تمایز دیگر، نوع نگاه این دو نویسنده به مقوله تاریخ می‌باشد. نگرش نویسنده تجارب السلف به تاریخ طبق آنچه در ابتدای کتاب خود آورده، بیشتر یک نگاه تفننی و سرگرم‌کننده است، در صورتی که ابن طباطبا دیدی علمی‌تر به مقوله تاریخ دارد.

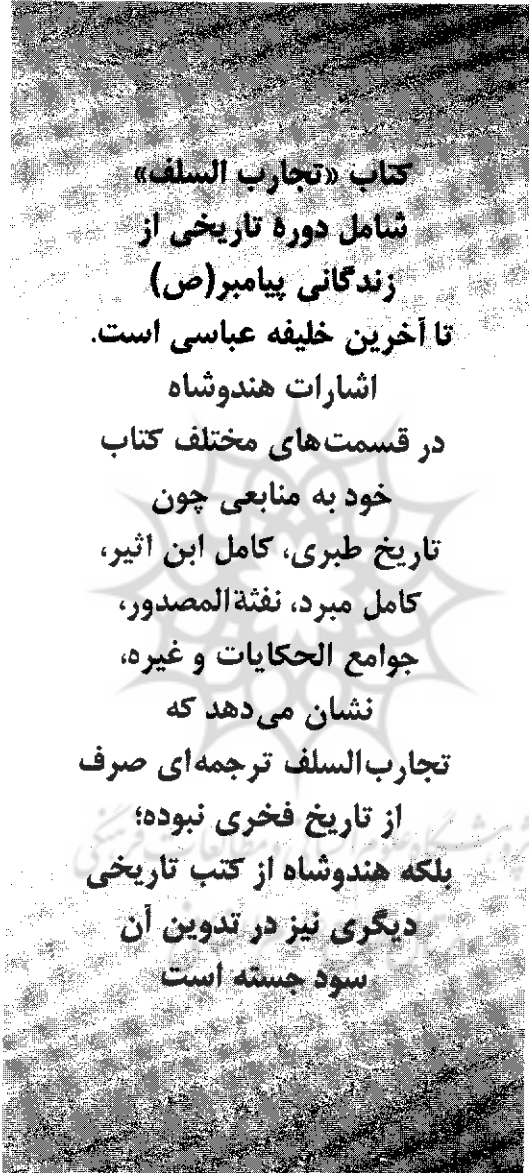
کتاب تجارب السلف برای یک ایرانی و مطالعات در زمینه تاریخ ایران مهم‌تر و مفیدتر از تاریخ فخری است چرا که در زمینه حکومت‌ها و وزرای ایرانی اطلاعات کاملی ارائه می‌دهد.

ویژگی خاصی که کتاب تاریخ فخری را در جایگاهی برتر نسبت به تجارب السلف قرار می‌دهد، بخش اول کتاب است. زیرا این بخش کتاب را از حالت نقل صرف حکایات و تواریخ مربوط به خلفا خارج نموده و به تجزیه و تحلیل و بهره‌برداری از تاریخ پرداخته است. بدین معنی که کتاب، هم یک کتاب تاریخی به شمار می‌آید و هم یک سیاست نامه محسوب می‌شود، سیاستی که مبتنی بر تاریخ است و از اطلاعات نویسنده از تاریخ و استفاده از آن در اداره امور کشور مایه می‌گیرد.

در پایان باید گفت ابن طباطبا با درک سقوط عباسیان و لزوم حفظ سیاست و سیره خلفا، و نیز با درک نشست دوره هرج و مرج و بی‌سامانی پس از سقوط خلافت، از زبان تاریخ برای تعلیم فرمانروایان پس از خلفا (حال در قالب نام عیسی بن ابراهیم حاکم موصل) اسلوبی ماندنی بر جای گذاشته و در این راه از رابطه تنگاتنگ علم تاریخ و علم سیاست بهره برده است. این نگاه در کتب تاریخی تا آن زمان کمتر نمونه دارد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- نخجوانی، هندوشاه: تجارب السلف، به اهتمام امیر سید حسن روضائی، چاپ بزرگمهر، تهران، ۱۳۶۱، به نقل از مهدوی دامغانی، ص ۳۶۱.
 - ۲- ابن طباطبا، محمدبن علی: تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلیایگانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۵۰، ص ۱۹.
 - ۳- نخجوانی، هندوشاه، همان، ص ۶۵ - ۳۶۴.
 - ۴- همان، ص ۳۶۶.
 - ۵- همان، به نقل از عبدالعلی طاعتی مصحح صحاح الفرس، ص ۳۷۷.
 - ۶- نخجوانی، هندوشاه، تصحیح عباس اقبال، تهران، فردین، ۱۳۱۳، صص ۴، ۲۸، ۲۶۹، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۷.
 - ۷- همان، ص ۳.
 - ۸- همان، مقدمه ص ج، و، د.
 - ۹- ابن طباطبا، همان، ص ۱۳.
 - ۱۰- همان، ص ۱۵.
 - ۱۱- همان، ص ۱۸.
 - ۱۲- همان، ص ۲۳.
 - ۱۳- همان، ص ۹۱.
 - ۱۴- همان، ص ۵۲.
 - ۱۵- همان، صص (۱۰۰ - ۱).
 - ۱۶- نخجوانی، هندوشاه، به اهتمام روضائی، همان، صص ۳۷۱ - ۳۷۰.
 - ۱۷- ابن طباطبا، همان، ص ۱۸.
 - ۱۸- نخجوانی، هندوشاه، تصحیح عباس اقبال، ص ۳ و ۲.
 - ۱۹- نخجوانی، (۱۳۶۱)، همان، به نقل از مهدوی دامغانی، ص ۳۷۵.
 - ۲۰- نخجوانی، (۱۳۱۳)، همان، ص ۵۲.
 - ۲۱- ابن طباطبا، همان، صص ۱۳۱ - ۱۳۰.
 - ۲۲- همان، صص ۱۴۶ - ۱۴۵.
 - ۲۳- به عنوان نمونه دوره سجاج و عمر در این کتاب مقایسه شود.
 - ۲۴- ابن طباطبا، همان، ص ۲۰۰ - ۱۸۶.
 - ۲۵- همان، ص ۲۰۱.
 - ۲۶- همان، صص ۳۸۹ - ۳۸۸.
 - ۲۷- نخجوانی، (۱۳۱۳)، صص ۳۲۰ - ۳۱۹.
- رجوع شود به ابن اثیر، الکامل، ترجمه عباس خلیلی، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، ۱۳۵۰، وقایع دوران راضی بالله و متقی بالله)
- ۲۸- ابن طباطبا، صص ۳۹۳ - ۳۷۷.
 - ۲۹- نخجوانی (۱۳۱۳)، ص ۲۲۳.
 - ۳۰- همان، صص ۲۵۳ - ۲۱۳.
 - ۳۱- ابن طباطبا، صص ۳۹۹ - ۳۹۳.
 - ۳۲- نخجوانی (۱۳۱۳)، صص ۳۸۲ - ۳۵۲.
 - ۳۳- ابن طباطبا، صص ۴۵۰ - ۴۴۹.
 - ۳۴- نخجوانی، (۱۳۱۳)، ص ۳۰۵.



کتاب «تجارب السلف» شامل دوره تاریخی از زندگانی پیامبر(ص) تا آخرین خلیفه عباسی است. اشارات هندوشاه در قسمت‌های مختلف کتاب خود به منابعی چون تاریخ طبری، کامل ابن اثیر، کامل میرد، نفثة المصدور، جوامع الحکایات و غیره، نشان می‌دهد که تجارب السلف ترجمه‌ای صرف از تاریخ فخری نبوده؛ بلکه هندوشاه از کتب تاریخی دیگری نیز در تدوین آن سود جسته است